

## ناروا خپرونی

د ثور په ۱۴ د کابل رادیو له یو خیر نه داسی و پوهیدلو چه د مشرانو د جرگی د خو تنو له خوا د خلق د جریدی پر نشراتو دا تور او تهمت پوری شوی چه گواکی دا جریده د «اسلام د دین او د اساسی قانون» په خلاف نشرات کوی او د دی جریدی نشراتو په بنار کبني «تشویش او اندیینه» مینخ ته راوستلی ده. مونږ دغه بی مورده او ناروا تور او تهمت په کلکه تردید وو او د افغانستان زور او با شهامت ملت ته په داگه دا اعلان کوو چه د خلق د جریدی نشرات «د اسلام د دین او د اساسی قانون» پر ضد نه بلکه د «استعمار او استبداد» پر ضد دی. د خلق جریدی «په ټول بنار کبني تشویش» مینخ ته ندی راوستلی بلکه

بلکه د ظالمانو، مستبدینو او د استعمار تالی ختو په کورو کبني یی تشویش راوستلی دی. مونږ د لته په بنکاره وایو چه مونږ د اساسی قانون د دوهمی ما دی چه وائی: «د افغانستان دین د اسلام سپیڅلی دین دی» او همدا ډول د لومړی مادی چه وائی: «افغانستان یو مشروطه پاچانی خپلواک یو موټی او... دولت دی» بشپړ احترام کوو. خو ځینی خودغرضه خلک زموږ دغه نیت په بله بڼه معرفي کوي او ناروا او ناوړه توروته را باندی لگوی. د افغانستان پوه او وطن پرسته خلک، منورین او ځوانان ښه پوهیږی چه دا لومړی خل ندی چه د افغانستان پر وطنخواهانو او د خلکو پر دوستانو دغسی توروته لگول کیری بلکه څرنگه چه مونږ پخوا په یوی سرمقالي (پوه بله آزموینه) کبني ویلی و زموږ جریده یوازی او یوازی د افغانستان د عامو خلکو (۹۵ فیصد) گتی په خورا زوروتیا او فداکاری مدافعه کوی او ساتی. زموږ مرام د دغی ادعا شاهد دی او د استعمار هیڅ جاسوس او د فیودالی طبقی هیڅ مزدور نی نشي تردید ولای.

مونږ نه حیرانیږو چه زموږ د جریدی په خپریدو د افغانستان دښمنان ولی دومره وارخطا او ناآرامه شوی دی دا ځکه چه زموږ جریده عام خلک د دوی (په ۲ مخ)

## دین اسلام - قانون اساسی

### شاهی مشروطه

واضح و بی نیاز از «تذکر» است که از لحاظ جریان تکامل تاریخ، در کشور هائیکه تحت شرایطی عمومی فیودالی و ارتجاعی حیات بسر می برند، سلطنت مشروطه یک عنصر ترقی و پیشرفت بشمار میرود. نظام فیودالی از نظر ماهیت خود همیشه با نظام «دولت پادشاهی مشروطه مستقل و واحد و غیرقابل تجزیه» (ماده اول قانون اساسی) در تضاد بوده و همواره با هم تصادم کرده اند. لذا در مرحله ای از تکامل اجتماعی عناصر ملی و مترقی ایکه در قشر و شرایط فیودالته ایجاد می شوند مجبور هستند که بر سلطنت مشروطه تکیه کنند چنانکه سلطنت نیز ناگزیر است بر آنها متکی باشد تا (طرز تولید فیودالی) و فیودالهای ضد مشروطیت و ضد نظم دموکراسی بزانو در آورده شوند. (بتاریخ تحولات اجتماعی اروپا از قرن دهم به بعد مراجعه شود).

هرگاه نگاه ارتجالی به سیرتکامل تاریخی مشروطیت افغانستان انداخته شود بوضاحت معلوم می شود که طی یک قرن و نیم استعمار فجیع بریتانیا و استبداد طبقه حاکمه داخلی یعنی فیودالهای حاکم محلی متحدانه سعی نموده اند تا مانع تشکیل یک سلطنت مرکزی ملی و مشروطه در افغانستان گردند.

همچنان بعد از تحصیل استقلال سیاسی دهه ها اغتشاش و تحریکات و توطئه های استعماری فیودالهای محلی و منحرف ساختن جنبشهای دهقانی بجهت ارتجاعی زیر عنوان مذهب و غیره همه نشان دهنده این حقیقت است که: دشمنان پادشاهی مشروطه و نظم ملی همانا نیروهای فیودالی (ملوک الطوائفی) بوده اند نه جنبشهای ملی و مبارزات مشروطه خواهان، آزادی خواهان و ترقی خواهان کشور که پیوسته «به منظور تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق بمقتضیات عصر و بر اساس واقعیات تاریخ و فرهنگ ملی، تأمین عدالت و مساوات، تطبیق دموکراسی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، تنظیم شئون و ارکان دولت برای تأمین آزادی و رفاه افراد و حفظ نظم عمومی، انکشاف متوازن تمام امور حیاتی افغانستان» (مقدمه قانون اساسی) مجاهده کرده اند.

(در ص ۳)

تاریخ سازمانهای مترقی و سیاسی طبقه زحمتکشان ملل جهان نشان میدهد که طبقات حاکمه و محافل سیاسی آن از تشکیل سازمان پیشرو خلقهای زحمتکش در هراس اند و مذبحخانه تلاش کرده اند که از پیشروی به جهان کهنه و مبارزه قانونی و دلیرانه پیشروان تاریخ جلوگیری کنند و ضربات سنگینی به سازمانهای سیاسی آنها وارد سازند. سازمانهای مترقی و نوع عالی ملل جهان راه های بس طولانی را پیموده اند و سرگذشت قهرمانانه آنها مشحون از پیروزی های پرافتخار و شکست های رقت بار موقتی بوده است. کارگران، دهقانان جهان طی مبارزات عظیم خود پیشوایان، سازمان دهندگان و رهبران پرنبوگی از خود بوجود آورده اند که الهام بخش قدرت های ترقیخواه و نشان دهنده ماهیت سازمانهای نوع عالی و جدید می باشد.

همچنان طبقات حاکمه ارتجاعی جامعه برای جلوگیری از بیداری مردم سعی می ورزند تا مردم را از تأسیس سازمان سیاسی خلق سلاح کنند و از طریق تولید محیط رعب و ترس و طرح و وضع قانون مطلقاً ارتجاعی و ضد دموکراتیک بنام به اصطلاح قانون احزاب موانع بزرگ ایجاد کنند و راه مبارزه قانونی را عمداً و قصداً سد نمایند و بعداً بصورت توطئه آمیز طبق شیوه های پارینه اعلام دارند که فلان جریان به اصطلاح «غیرقانونی وارد شده از خارج» است لهذا حق تشکیل حزب قانونی را ندارد.

مسوده قانون احزاب که از طرف حکومت در جراید نشر گردیده از آن قوانینی است که نظیر آن از لحاظ ماهیت ارتجاعی و پولیسی در جهان سابقه ندارد. در حالیکه در کشورهای دموکراتیک بنام قانون احزاب اصولاً قانونی وجود ندارد و اگر هم موجود باشد بیش از چند ماده رهنما که محتوی دموکراتیک را حایز است نمیباشد.

به هر حال ما امید داریم که مردم و نیروهای وطن پرست و مترقی کشور علیه طرح چنین قوانین ضد ارزش های دموکراتیک قانون اساسی مبارزه قانونی خواهند کرد و به محافل سیاسی طبقات حاکمه اجازه نخواهند داد که چنین قانون

ارتجاعی را بالای شان تحمیل کند.

بجرات می توان اعلان کرد که طرح چنین نوع قانون احزاب صریحاً ضد نص ماده (۳۶) قانون اساسی می باشد که آزادی تشکیل احزاب را تضمین کرده است.

ما در این باره بصورت مسالمت آمیز و حسن نیت به تمام نیروهای ضد ملی و ضد دموکراتیک و ضد مردم خاطر نشان میسازیم که تحول تاریخی جهانی جامعه بشر و رشد و توسعه جهان مترقی و تشکیل سازمانی آن نتیجه قانونی و طبیعی تکامل جامعه است. جهان بینی علمی با کشف قوانین عینی تکامل جامعه، تضادهای ذاتی نظام فیودالی کشور و ناگزیری انتقال آن را بیک مرحله نوین تاریخی نشان داده است.

تصادم رشد روزافزون نیروهای مؤلده با مناسبات تولیدی کهنه، در برابر جامعه ملی ما این وظیفه را قرار میدهد که باید هر چه زودتر نظام فیودالی را طرد کرد و نیروهای مؤلده پر قدرت را که مخلوق انسان است از قید اسارت آزاد ساخت و آنها را بنفع ثمربخش جامعه مورد استفاده قرار داد. همچنان بوضاحت دیده میشود که توأم با این عملیه (پروسه) نارضایتی توده های زحمتکش مردم از نظام فیودالی تشدید میگردد و مبارزه آنها با طبقه حاکمه حدت میابد و قهرماً کسی بخواهد یا نخواهد امکان مادی و واقعی برای جنبش دموکراتیک برهبری سازمان

(در ص ۴)

ولی در قرن ۱۷ و ۱۸ به فلسفه سرایت کرد. در سابق میتافزیک يك شعبه مخصوص فلسفه بود که فلاسفه بر مبنای آن میکوشیدند ماهیت لایتغیر و ابدی اشیا را بطور قیاس درک کنند. میتافزیک امروزی از تکامل و ظهور نو انکار میکنند، حرکت را تغییر مکان ساده میداند و اشیا و پدیده ها را جدا از هم مطالعه میکند، تغییر کیفی را که نتیجه تراکم تغییرات کمی است قبول ندارد و تضادهای داخلی را منشاء تکامل نمیداند.

**مقولات:** هر علم که ساحه معین از واقعیت عینی را مطالعه میکند. علاوه بر اینکه دارای سیستم معین از قوانین عینی و مشخص است مقولات معینی را احتوا میکند که زاده نتیجه گیری قرن ها تجربه کار و دانش است. مقولات مفاهیم عمومی است که در ضمن تکامل و انکشاف هر يك از علوم و منجمله فلسفه بوجود می آید و تهداب و بدیهیات آنها را تشکیل میدهد. بطور مثال چنین مفاهیم در میکانیک کتله، انرژی و قوه، در اقتصاد سیاسی کالا، ارزش و پول، در فلسفه ماده شعور و غیره می باشد.

(در شماره آینده مقولات دیالکتیکی تشریح خواهد شد.)

**اقسام اسلوب در فلسفه:** در فلسفه دو قسم اسلوب تحقیق موجود است: اسلوب دیالکتیک و میتافزیک.

**دیالکتیک:** لفظ دیالکتیک از لسان یونانی گرفته شده است. در زمان سابق مفهوم آرت و یا هنر مباحثه را میرسانید که با بکار بستن این هنر طرفین مباحثه حقیقت را از روی تناقضات در گفتار حریف خویش آشکار میکردند. امروز دیالکتیک اسلوب علمی مخصوص شناخت واقعیت می باشد که عمومی ترین قوانین حرکت، تغییر و تکامل طبیعت، اجتماع و تفکر را طراز بندی و بر اساس این قوانین عینی جهان را در حرکت، تکامل و تغییر مداوم یعنی همانطور که هست مطالعه میکند. بعلاوه دیالکتیک علت این حرکت، تغییر و تکامل را در تضادهای ذاتی اشیا و پدیده ها میداند و تیره تکامل و مبارزه نو علیه کهنه و اجتناب ناپذیری پیروزی نو بر کهنه را شرح میدهد و بنابراین دیالکتیک بمنزله سلاح مبارزه نیروهای مترقی جامعه است.

**میتافزیک:** اسلوبی است که در نقطه مقابل دیالکتیک قرار دارد. در ابتدا این میتود در علوم طبیعی بکار میرفت

او یا د پنتونستان سترمشر خان عبدالغفار خان ته ده د نظریاتو د خرگندونو د پاره په خپله جریده کښی موقع ورکرو نو سمدلاسه د ځینو ارتجاعي عناصرو او د څو استعماری تالی څټو لخوا په بله پرده کښی داسی تحریک شروع شی چه گواکی د دین او اساسی قانون په خلاف نشرات کیری؟ که مونږ د خلکو په مینځ کښی د حقیقی برابری او د ورورولی د تینگولو د پاره او د خلکو د ثقافت او ژبو روزلو د پاره څه ولیکل او وویل آیا دا له اساسی قانون سره مخالفت لری؟

که مونږ په عمومي ډول استعمار هر ډول ظلم، استبداد، تیری، اقتصادی او اجتماعی بی عدالتی، د خلکو د نه خورولو، غر اوچت کړو او د افغانستان د مظلومو طبقاتو د گټو د پاره څه ولیکو نو سمدلاسه د استعمارچیانو او ظالمانو حسادت تشدید شی او خپل اجیران را خوشی کړی او زمونږ دغه د حق غږ د خفه کولو د پاره ډول، ډول دلایل او وسایل لټوي او د ملی منافعو پر ضد د خپلو شومو اغراضو د پرمخ بیولو د پاره د اسلام مقدس دین پرده او بها نه کړی. او آیا دا گناه ده که ووايو چه د ملي عوايدو د ډیروالي او د وروسته پاتی فیودالی اقتصاد د له مینځ وړلو د پاره دی په هیواد کښی د ځمکو اصلاحات وشي او خارجی تجارت دی ملی شی؟ (په دریم میخ)

## اصطلاحات و مقولات اجتماعی

(ط - ب)

۲- خلق

و منورین. در دیگر جوامع خلق از حیث تعداد اکثریت قریب به تمام اهالی است نه همه اهالی زیرا طبقات و قشرهای کوچک طفیلی و استثمار کننده باوجود تبعه بودن رسمی خلق محسوب شده نمی توانند چونکه در تولید ملی سهمی نمی گیرند و علاوه بر باردوشی مانع ترقی و انکشاف می باشند.

در بعضی مواقع خاص مانند جنگ های استقلال طلبی یا نهضت های ضد استعمار گروپ هائی مانند یاران شهزاده ایوب خان و خودش یا شیخ های قبایل الجزایری در جنگ میوند و نجات الجزایر وصف خلقی را پیدا می کنند که گذرا می باشد همچنان سرمایه داران ملی در مبارزات ضد امپریالیزم.

**اهمیت خلق:** همین خلقهای یک جامعه اند که «نیروی تعیین کننده تکامل اجتماعی» آن می باشند زیرا تولید مادی که اساس زندگی است به همین نیروی عمده تولید (زحمت کشان) تعلق دارد. اهمیت خلق در تاریخ «به تناسب تکامل مترقی جامعه افزایش می یابد» و هم سرنوشت انقلابها بدست آنهاست.

**جبهه خلق:** صف اتحاد احزاب طبقات و قشرهای زحمت کش و منورین مترقی می باشد که بنام (جبهه متحد ملی) معروف است. در شرایط فعلی مبارزات ضد فیودالیزم و امپریالیزم و انحصارات بهترین و بزرگترین سلاح نجات خلقها ملت ها و زحمتکشانست.

(در آینده اصطلاح طبقه حاکمه تعریف می شود)

در جوامع غیرمتجانس و ناهمگون که چندین طبقه اصلی و فرعی و قشرهای اجتماعی مستقل و مربوط موجود است به اشکال بزرگتر اشتراک افراد یعنی: ترکیب طبقات و قشرها برمی خوریم که در ساحه وسیعتری به مبارزات طبقاتی مشغولند مثلاً: طبقات مشابه دهقان و کارگر با قشرهای منور مترقی و پیشه - وران بحیث استثمار شونده ها در يك طرف و طبقات مشابه فیودال و سرمایه دار محتکر بزرگ با قشرهای منور مرتجع و بوروکرات ها بحیث استثمارکننده ها از طرف دیگر، صف آرای می کنند.

در جامعه شناسی علمی جمع زحمت کشان و استثمارشوندگان را تحت مفهوم (خلق) و جمع طفیلی ها و استثمار کنندگان را زیر عنوان (طبقه حاکمه) می خوانند.

**تعریف خلق:** بصورت کلی تمام زحمت کشان عبارت از خلق است. اما در جامعه طبقاتی «تمام توده های استثمار شونده» را خلق می نامند که البته در دوره های تاریخی جامعه و زمان های مختلف اجزای این مفهوم کلی، وسیع و محدود می شود به این طور که:

در جامعه فیودالی تیبیک، خلق عبارت از همه رعایا (سرف) و (پیشه وران) است. در جامعه کاپیتالیستی تمام کارگران، دهقانان و روشنفکران و قشرهایی که به پیشرفت جامعه کمک می کنند خلق میباشند و در مراحل امپریالیستی تنها انحصارگران بزرگ از این مفهوم خارج می شوند و در جامعه سوسیالیستی خلق عبارت از همه اهالی است یعنی کارگران، دهقانان

## ناروا خپرونی

د لومړی مخ پاتی

طرز ژوندون دوی ته وښیو نو دا به د اسلام او اساسی قانون سره څه مخالفت و لری؛ زمونږ په نظر دا صرف له اقتصادی و اجتماعی ظلم سره منافات لری. که زمونږ د مرام اصلی مطلب داوی چه ولی زمونږ یوه برخه وروڼه تر اوسه د وزو پوټوکی اغوندي او لوڅی پښی او پیرانگی، پیرانگی کالی اغوستی په پاکستان کښی په خورا ناوړو شرایطو کښی خاوری چلوي او یا ختی کوی او په دوبي په افغانستان کښی په وړی نس د غم شپي ورځی تیروي او ولی ددوی کوچنیانو ته د سم تعلیم کولو مناسبه موقع نشته؟ او ولی د دوی د زیار حاصل په مستقیم او غیرمستقیم ډول د څو مفتخورو له خوا جذب کیری؟ که مونږ د پښتونستان خبری وکرو

د خاوریو، برېښدوالی، لوړو، ناروغیو په حقیقی علل او سببو پوهوي او دا خو تر لمر ښکاره خبره ده چه د خلکو پوهیدل د استعمار او استبداد ضعف او مرگ دی.

که زمونږ د جریدی هدف داوی چه ولی زمونږ د زیار ایستونکو وروڼو په زحمت او ننگ او ناموس یو څو مستبدین او ثروتمندان لوبی کوی؛ ولی د دوی کوچنیانو ته د تعلیم کولو او یوه سم انسانی ژوند موقع نشته؟

که مونږ ووايو چه ولی دوی د خان او کوچنیانو د پاره یو ساده غوندی ټاټوبی نلری او ولی د څو بدایانو په گارجونو او سرو نمناکو خونو کښی د حیواناتو په څیر شپي او ورځی تیروي؟ که مونږ ددغو خاوریو او اریانو حقوقی علل فیودالیزم یعنی د ملوک الطوایفی

### شعر از یکی:

#### ینگی زمان

#### ترانه سی

سلام ینگی یل، ای ینگی لیکنی ایلچی سی!

سینی یازینگده،  
سینی یشنگن بهارینگده،

حیات بخش قویاشینگ جهانگه  
ساچکی نور

بونوردن، قوت،

بونوردن، الهام،

خلایق اوزگه تیریکلیک قوروش  
اوچون آگی،

کونگل قوشی بولوبان مست سیره  
گی هر دم

قوانچلیک بيله ینگی زمان ترانه  
سی نی:

«جهانده تینچلیک و صلح خلق ارا  
یه شه سین!»

«اولوغ هدفراوچون،

دموکراسی و آزاد لیک بنا سی  
اوچون

«گورش، مبارزه، ایثار خلق ارا  
یه شه سین!»

«ایلدرم»

## دین اسلام - قانون اساسی شاهی مشروطه

(بقیه صفحه اول)

از نخستین طلعه نهضت مشروطیت در حدود پنجاه سال میگذرد که بالاخره بااساس اراده ملت و رهنمایی مدبرانه اعلیحضرت پادشاه افغانستان برای اولین مرتبه در کشور اصل مشروطیت در ماده اول قانون اساسی اعلان گردید.

ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی و اصل «دولت پادشاهی مشروطه» وثیقه و خونبهای فرزندان صدیق وطن در این مرحله تاریخ است که در صورت تطبیق، تاثیر آن در تحول اجتماعی کشور با اهمیت خواهد بود.

با اهمیت ازین لحاظ که: از نظر قانون عینی تکامل جامعه ما، ارزشهای قانون اساسی و اصل «دولت پادشاهی مشروطه» عامل روینایی زوال فیودالیزم (ملوک الطوائفی) می باشد.

ماده هفتم و یازدهم قانون اساسی کشور که جریده خلق آنرا احترام می نماید، می گوید: «پادشاه غیرمسئول و واجب الاحترام است... از حقوق مردم حفاظت و حراست می نماید.»

بی نیاز از اثبات است که جریده خلق نیز به مردم افغانستان تعلق دارد و کارکنان آن از جمله اتباع افغانستان میباشند. لهذا بااساس قانون اساسی کشور و ماده (۳۱) آن که میگوید: «آزادی فکر و بیان از تعرض مصنون است،

(دوهم مخ پاتی)

## ناروا خپرونی

زمونږ نظر خو دادی چه دا کار د ډیر اکثریت په گټه دی او دا څرگنده ده چه اساسی قانون تر هر څه لومړی باید د خورا ډیر اکثریت د منافعو ساتندوی وی.

د (خلق) د جریدې د نشر شوو مطالبو څخه یو څو ټکی دا پورته و چه ولیکل شول.

مونږ له ټولو وطن خواه خلکو، منورینو او ترقی غوښتونکو عناصرو څخه هیله لرو چه پری نږدی د خلکو یرغ د ځینو مغرضینو له خوا د اسلام د سپېڅلی دین په پرده کښی یو ځل بیا وچ کرل شی. او د افغانستان د خلکو د سعادت پر ضد د منځنیو پیروی بهانی او وسایل استعمال شی. مونږ د دې گڼی په لومړی مخ کښی دا موضوع یو څه ژوره څیړلی ده، هیله ده چه زموږ لوستونکی هغه په دقت وگوری.

و آنها را به پیشگاه قضاوت ملت که حاکمیت ملی به آن تعلق دارد (ماده اول قانون اساسی) میگذاریم و با کمال افتخار حاضریم که چه در برابر افکار عامه مردم خود و چه در کنفرانسها و مجالس آزاد از حرف بحرف مرام دموکراتیک خلق و موضوعات منتشره در جریده خلق دفاع نماییم و ثابت کنیم که نه تنها مرام دموکراتیک خلق و نشرات جریده خلق ضد دین اسلام و قانون اساسی کشور و نظم مشروطیت نمی باشد، بلکه برعکس مطابق آنها بوده و من حیث وظیفه ملی صدای نجات خلقهای افغانستان از تحت ظلم و ستم چنین طبقات و نمایندگان ارتجاع وسیعاً انعکاس داده شده است.

در همین جاست که بحکم تجربه تلخ و رقت انگیز گذشته تاریخ ملی یادآور می شویم که جریانات ارتجاعي ضد دموکراسی و ضد ترقی اجتماعی اجازه داده نه شود که بچنین جرأت دست بعملیاتی بزنند که ملی ترین، مترقی ترین و دموکراتیک ترین عناصر و تمام وطن پرستان، فرزندان صدیق وطن و با شهامت ترین مدافعان منافع، خلقهای کشور صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی افغانستان را تکراراً مورد اغراض شوم است استعماری، استثماري و استبدادی فیودالی خود قرار دهند. ما در حالیکه به تمام ارزشهای ملی و دینی خلقهای ملت خود احترام داریم و خودرا بر اساس اصول مبارزات مسالمت آمیز، قانونی، علمی و پارلمانی پیشرو ترین مدافعان نظم اجتماعی میدانیم به هیچکس اجازه نمی دهیم که بدون احساس مسؤولیت در برابر قانون و تاریخ چنین اتهام نادرست را بما به بندند و از قانون اساسی افغانستان چنین تفسیر منفی و ضد اصل آزادی ماده بیست و ششم آن «آزادی حق طبیعی انسان است این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم میگردد حدودی ندارد...» بنمایند.

در خاتمه توجه ملت نجیب و زحمتکش خودرا با این نکته حساس جلب می نماییم که تحت تبلیغات سوء قرارانگیرند و بیداری سیاسی خودرا احیا نمایند. و همچنان به تمام عناصر ملی، ترقیخواه، دموکراتیک اعلان «هشیارباش» می نمایم و تکراراً متذکر میشویم که: راز پیروزی جنبش دموکراتیک ضد فیودالی در هماهنگی و اتحاد عمل است و علت ناکامیها و جرأت پیش قدمی نیروهای ارتجاعي و عمال استعماری

## پلی

د اوچتو غرو په مینځ کی په اسفالت سرک روان و ملا دردمنه، پښی چاودی لاره لری وه ستومان و لری پلنی وی په غرونو را روان یاغی توفان و.

لاړوی ته ورپه یاد شول پدې واټ کی خپل کارونه د دې غرو په ځملو کی خپلی هڅی، زحمتونه کلنگونه زنبیلونه ساره ژمی سخت کلونه

لوری پښی می کړی ماتی سرکش غرونه می هوار کړل سین می سیخ که په بستر کی سیلاونه می مهار کړل ستر پلونه می تیار کړل برف کوچونه می ایسار کړل

په بریتو د مساپرکی

یوه نری موسکا پیدا شوه په ساده زره کی بی وینه یوه خوب وری تمنا شوه:

«کاشکی بیا په دغه غرو کی لور زما د کار غوغا شوه»

ناڅاپی ورباندی راغی

یو موتر له پاسو غرونه شگی ختی یی ور باد کړی پند یی ولویده له شا نه دی یی ویوست له اوبو نه را بیدار شوله خوبونه

ای د غرونو مساپره د هرچا ده خپله برخه که آسمان ځمکی ته کوز کړی و به نه وزی له دې نرخه څه اوچت څه لندوه یی دغه توره اوږده کرڅه

سلیمان لایق

همانا پراگندگی ماست. اگر تمام نیروهای ضد استبداد و استعمار و ارتجاع امروز کشور ما در يك جبهه متحد ملی متشکل و متحد شوند می توان جبهه ارتجاع را از جامعه طرد کرد و جنبش دموکراتیک و ملی را پیروز ساخت.

بجرات بیان می نمایم که مسؤولیت عظیم شکست نیروهای مترقی و جهان بینی علمی و جنبش دموکراتیک از همه اولتر متوجه عناصری خواهد بود که با وصف روشنی اوضاع و ضرورت تاریخی آنرا به بهانه های نادرست از نظر میاندازند و در عوض وحدت نیروهای جنبش دموکراتیک بذریه بی اتقادی و بی اعتمادی را در بین قدرت های وطنپرست و ترقی خواه دموکراتیک می افشانند.

- بگذار مبارزات قهرمانان و دلیران راه مشروطیت الهام بخش دموکراتیک خلق باشد!

- پیروزی اتحاد نیروهای وطنپرست مترقی و دموکراتیک و ملی و ضد ارتجاع استبداد و استعمار!

مترقی بین المللی و صلح خواهی و با روح وطن پرستی و فداکاری و وفاداری به منافع خلق و جنبش نجات بخش ملی و مردمی پرورش خواهد داد.

خلاصه در ختم این قسمت بحث اعلام میداریم که ما ایمان کامل داریم که ملت افغانستان پیروز خواهد شد زیرا دیگر توده های مردم از خود در شرایط قانونی سازمان قانونی سیاسی خواهد داشت که با سلاح دانش نوین بشری مجهز است و جامعه فولادین از خود - گذری و تقوای اجتماعی و وطن پرستی بر تن دارد. تنها سلاح نامردانه مقتریان و اغواگران و دشمنان داخلی و خارجی ما تحریک ناجوانمردانه و ضد انسانی مرتجعین و جواسیس و نمایندگان استعماری علیه جریان ملی و دموکراتیک خلق و دشنام و بهتان به آن خواهد بود تا فساد اجتماعی و سیاسی، عوامفریبی و قدرت طلبی و ستمگری و خصوصیت ارتجاعی و وابستگی استعماری خود را از نظرها بپوشانند.

بگذار که دشمنان ملت افغانستان علیه ما توطئه کنند و ما را تهدید به... نمایند، ما در عوض به آنها در عمل و نظر جواب آموزنده و دندان شکن خواهیم داد و به آنها خواهیم گفت که با توطئه و تهدید شما ملت دلیر افغانستان بیدار خواهد شد و دیگر وسایل کهنه دیروز علیه مبارزان راه نیک بختی خلق های افغانستان کارگر نخواهد افتاد.

بگذار که در تحت انضباط شعوری و اصول تشکیلاتی «قانونی» و موازین علمی سازمانی زیرین درین شرایط بصورت قانونی، علنی و مسالمت آمیز بدون ماجراجویی به پیش بجانب هدف عالی خود، در راه عظمت افغانستان محبوب، در راه پیروزی مرام دموکراتیک خلق، در راه تحقق آرمانهای خلق کشور، در راه ایجاب حکومت دموکراسی ملی و راه رشد غیرسرمایه داری توأم با نظر و عمل اصولی و استوار و شجاعانه گام برداریم!

تا این اصل مؤجز و بزرگی در باره ما صدق کند که: «خود را پیش آهنگ و واحد پیشرو نامیدن کافی نیست باید اعمال ما نیز طوری باشد که تمام واحدهای دیگر هم ببینند و مجبور باشند اعتراف کنند که ما در صف جلو حرکت میکنیم.»

#### ختم موضوع دوم

«موضوع سوم در شماره های آینده»  
ببرک (عضو ولسی جرگه)

دیگر جریانات سیاسی احراز موقعیت کنند. در عکس آن البته متوجه خواهند بود که مسئولیت نتایج ناگوار ناشی از اعمال و تصمیم سو آنها بعهده خود آنهاست نه به جریانی که شیوه مسالمت آمیز و قانونی مبارزه، اصول زمان آن است.

روی این واقعیت نیروهای دموکراتیک خلق وظیفه خود می شمارند که: بخاطر خلقهای زحمتکش افغانستان، بخاطر به پیروزی رساندن مرام دموکراتیک خلق و آرمانهای مردم و بخاطر انجام تحول دموکراتیک در مرحله کنونی که مضمون اساسی آن طرد فیودالیزم و جلوگیری از نفوذ امپریالیزم و تأمین آزادی ملی و ترقی اجتماعی است. در راه تکامل عالیترین نوع سازمان سیاسی ملی طبقه زحمتکش خلق در سرتاسر افغانستان که بر پایه های اصول و موازین علمی استوار باشد مجاهد، «قانونی» کنند.

جریان دموکراتیک خلق افغانستان که جریده خلق گویای آن است سازمان «قانونی» خواهد بود که بر اساس اتحاد داوطلبانه مبارزان پیشرو طبقات و قشرهای زحمتکش ملت افغانستان یعنی کارگران، دهقانان، اهل کسبه و پیشه وران، روشنفکران و افرادی که مرام و اصول سازمانی دموکراتیک خلق را در شرایط «قانونی» بپذیرند و در راه پیروزی و تحقق آن فعالیت مسالمت آمیز کنند.

جهان بینی سازمان نوع جدید پیوسته و بصورت مداوم بر اساس علم نوین و خلاق به پیش خواهد رفت و اصول تشکیلاتی آن به این جهان بینی اتصال ناگسستگی خواهد داشت. نیروهای دموکراتیک خلق از سنن و موارث ملی، از شرایط ملی و بین المللی و تجارب علمی مترقی ملل جهان و شعور بالقوه خلق های دلیر ملت خود سپاس گزار بوده و امیدوار است که بر دشواریها و محرومیت ها و نواقص کار، اشتباهات، نظر یات نادرست، نقص تیوری، خودخواهی ها که به آنها اعتراف می نماید و موانع که همیشه موجب نابرابری اجتماعی و ستمگری بر مردم گشته فائق آید و «مرام» خود را بموقع اجرا بگذارد.

سازمان دموکراتیک خلق طی تکامل مراحل قانونی، اجزای خود را با اصول معنوی و اخلاقی عالی ملی و به جریانات

#### گرا نو و طنوالو !

د خلق جریده په غور ولولې!  
د خلق جریده د ملي خپلواکۍ د ټينگولو د پاره هر ډول سعی کوي!  
د خلق جریده د وطن د ټولو زيارايستونکو د گټو ملاتړ کوي!  
د خلق جریده د هيواد خلک د دوی د خواريو حقيقي علتو ته ملتفت کوي!  
د خلق جریده د خپلو خلکو د ثقافت د ودی د پاره خپرونی کوي!  
د خلق جریده د ټولو خلکو ده او د خلکو د پاره خدمت کوي.

#### بناغلی بېټنی د خلق دموکراتیکه کرنلاره تایید کره

بناغلی حاجی علی محمد بېټنی ه د منځنی آزاد پښتونستان د صداقت اخبار چلوونکی د ثور په دریمه نیټه د ورځی په یوولسو بجو د «خلق» ادارې ته راغی. بناغلی بېټنی د «صداقت» څو گڼی «خلق» ته اهدا کړې او هیله یی وکړه چه د «صداقت» او «خلق» تر مینځ دي مبادله او تماس موجود وی. نوموړی مجاهد د «خلق» هدفونه تایید کړل او د پښتونستان د ملاتړ په برخه کښی یی د خلق د جریدی دریځ وستایه او یوه لیکل شوی یادونه یی پدی برخه کښی زموږ جریدی ته وسپارله چه مونږ هغه دلته ټکی په ټکی وړاندی کوو:

#### وسایل...

(بقیه صفحه اول)

سیاسی و طراز عالی و نوین (مظهر آگاه جنبش طبقاتی خلق زحمتکش) ظهور می نماید.

لهذا ما توجه مقامات سیاسی کشور را که احياناً از خود عقل سلیمی نشان میدهند به این نکته جلب می نمائیم که نباید مصرانه خود را در برابر جریان قطعی تاریخ قرار دهند و نشود که «ضربه ناگهانی» بالای ترقیخواهان و دموکراتیک خلق، بصورت توطئه آمیز وارد سازند و ماهیت واقعی خود را آشکار ساخته و در عوض خود را بیشتر متضرر سازند. امروز قانون عینی و بشردوستانه «انتقال مسالمت آمیز»، امکاناتی را برای کشورهای عقب مانده همچو افغانستان بوجود آورده که از طریق آن میتوان بصورت (مسالمت آمیز، قانونی، علمی و پارلمانی) اصل صلح، استقلال ملی، دموکراسی ملی و ترقی اجتماعی را تأمین کرد و کلیه افراد جامعه را از نابرابری اجتماعی از عموم اشکال ستمگری و استثمار نجات داد، و هم بحرانها و تشنجات اجتماعی را جلو گرفت. البته این امر بیشتر بمقامات سیاسی کشور مربوط است که (هرگاه صادقانه به دموکراسی و سعادت جامعه معتقد باشند) خود موجب عمل تشدد آمیز و توطئه آمیز نشوند و بصورت مسالمت آمیز بگذارند که نیروهای وطن پرست و ملی و دموکراتیک خلق رشد طبیعی و قانونی و سازمانی خود را طی نمایند و در پهلوی

#### زمان دیرگران و روره ترکی صاحبه!

پدی ورځو کښی زه کابل او مزار شریف ته د زیارتونو د پاره راغلی یم له نیکمرغه ستاسی مبارکه جریده چه د خلق په نامه مو خپره کړیده لمړی او دوهمه گڼه می ټکی په ټکی ولوستلی - رښتیا ده چه د زرگونو زرونو غوښتنی، آرزوگانی، هیلی وی چه د ستاسی جریده نی ښکلی کړی وه، خدای پاک دی ټولی تر سره کړی.

ستاسی د جریدی د مرام نامی په لړ کښی یوه رنگینه او زرینه کړې د پښتونستان د حق د ملاتړ هم موجوده وه چه د پښتنو او پښتونستانو مطالبه د حق خودارادیت او د کلنو کلنو مجاهدی وی چه تاسو په ډیرو لنډو او خورا مؤثر الفاظو تایید کړی دی زه د دی نیکمرغه جریدی د خپریډو څخه د زره له کومی ستا او ستاسی ملگرو ته د دی لوی گام په اخستلو کښی مبارکی وایم او د یوه پښتونستانی په حیث ستاسی د ملاتړ نه ډیره ډیر شکریه او کورودانی درته وایم او د لوی توانا خدای څخه د بریالیتوب غوښتنه درته کوم.

ستاسی ورور علی محمد «بېټنی»

#### خلق

فعالاً هفته یکبار نشر میشود

صاحب امتیاز: نورمحمد (تره کی)  
مدیر مسؤول: م. حسن (بارق شفيعی)

آدرس: محمد جانخان واپ

(مقابل کابل بناروالی)

#### اشترک

مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغانی  
ولایات و پښتونستان:  
سالانه ۱۱۰ - افغانی

خارج کشور: سالانه ۱۰ -  
دالر

قیمت يك شماره ۲ - افغانی

نمبر حساب در پښتنی تجارتي  
بانک (۱۴۳۱۴)

دولتي مطبعه

تایپ و ویرایش جدید: قاسم آسمایی می ۲۰۱۹

باز نشر: صفحه انترنیتی راه پرچم <http://rahparcham1.org/>